

علت تأکید خداوند بر «شاعر نبودن پیامبر(ص)» تشریح شد

آیه 48 سوره عنکبوت هرگز در مقام این نیست که بگوید خواندن و نوشتن بد و نقص است بلکه ناظر به پیامبر (ص) است که پیامبر به دلایلی این وصف را نداشت. در جریان شعر در سوره یاسین هم همین طور است خداوند نمی‌خواهد

...



گزارش تازترین درس تفسیر آیت‌الله العظمی جوادی

علت تأکید خداوند بر «شاعر نبودن پیامبر(ص)» تشریح شد

آیه 48 سوره عنکبوت هرگز در مقام این نیست که بگوید خواندن و نوشتن بد و نقص است بلکه ناظر به پیامبر (ص) است که پیامبر به دلایلی این وصف را نداشت. در جریان شعر در سوره یاسین هم همین طور است خداوند نمی‌خواهد بگوید شعر بد است بلکه اگر پیامبر اکرم شعر می‌گفت آن‌ها شک می‌کردند بنابراین ما به پیامبر یاد ندادیم و شعر گفتن نیز در شان پیامبر نیست. لذا اگر در آیات پایانی سوره شعرا سخن از مذمت است این مذمت در حقیقت مذمت شاعران است نه خود شعر. دوشنبه، 14 بهمن ماه، تازترین درس تفسیر آیت‌الله العظمی جوادی آملی با موضوع تفسیر آیات 65 تا 74 سوره مبارکه یاسین تشکیل شد.

ایشان ابتدا گفت: در این سوره بعد از اینکه مسئله معاد را تا حدودی به پایان رساند در آیات 69 به بعد درباره قرآن سخن می‌گوید. چون در مورد قرآن افراد مختلف در زمان‌های مختلف اهانت‌های فراوانی کرده‌اند.

* تشریح پاسخ شبهات

در مورد قرآن

وی ادامه داد: برخی گفتند شعر است، برخی گفتند کهنات (تسخیر جن) است، برخی گفتند سحر است، بعضی در مورد شخص پیامبر (ص) گفتند ساحر است، کاهن است، شاعر است و معاذ الله مجنون است که در قرآن همه اینها پاسخ داده شد. در آیه 69 سوره یاسین خداوند می‌فرماید: «مَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ» ما اصلا به او شعر یاد ندادیم و او اصلا نمی‌تواند شعر بگوید مثل اینکه در سوره عنکبوت فرمود او نمی‌تواند بنویسد، نوشتن عیب نیست اما او اصلا اهل نوشتن نیست اگر او اهل نوشتن بود شما تهمت می‌زدید و می‌گفتید این آیات را خودش نوشته است او اصلا اهل شعر نیست ما یادش ندادیم برای اینکه مبادا شما بگوئید او اهل ذوق است و اهل سراینده‌گی است بنابراین این آیات را نیز خودش گفته است و از ذوق خودش بیان کرده است.

* علت تأکید خداوند

بر شاعر نبودن پیامبر(ص)

این مرجع تقلید عنوان کرد: این آیات سوره یاسین در صدد این نیست که بیان کند شعر چیز بدی است چرا که در آیه 48 سوره عنکبوت فرمود: «وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُهُ يَمِينُكَ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ»؛ و تو پیش از نزول قرآن کتابی نمی‌خواندی و با دست خود چیزی نمی‌نوشتی، که اگر چنین بود، آنان که نادرستی قرآن را ادعا می‌کنند خود نیز در صحت آن و الهی بودنش تردید می‌کردند» سواد داشتن و خواندن کتاب عیب نیست، نویسندگی عیب نیست، خطاط بودن عیب نیست.

اینکه خداوند به پیامبر علم خواندن و نوشتن را یاد نداد به این سبب بود که اگر این‌ها را می‌دانست متهم می‌شد که این آیات را از کتاب تورات و انجیل آورده است. اما اگر چه خواندن و نوشتن نمی‌دانست از راه علم غیب ما پیامبر (ص) را با خبر کردیم.

آیت‌الله جوادی آملی اظهار کرد: بنابراین آیه 48 سوره عنکبوت هرگز در مقام این نیست که بگوید خواندن و نوشتن بد و نقص است بلکه ناظر به پیامبر (ص) است که پیامبر به دلایلی این وصف را نداشت. در جریان شعر در سوره یاسین هم همین طور است خداوند نمی‌خواهد بگوید شعر بد است بلکه اگر پیامبر اکرم شعر می‌گفت آن‌ها شک می‌کردند بنابراین ما به پیامبر یاد ندادیم و شعر گفتن نیز در شان پیامبر نیست. لذا اگر در آیات پایانی سوره شعرا سخن از مذمت است این مذمت در حقیقت مذمت شاعران است نه خود شعر.

* مذمت برخی از شاعران در قرآن کریم

این مفسر قرآن کریم ادامه داد: آیات پایانی سوره شعرا که فرمود: «أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ وَأَنْتُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ»؛ مگر ندیده‌ای که شاعران در هر وادی گام می‌نهند و برای سخنان خود هیچ مرزی نمی‌شناسند؟ و چیزهایی می‌گویند که خود

انجام نمی‌دهند» شاعران را مذمت می‌کند نه خود شعر به دلیل اینکه در همان بخش پایانی شاعرانی که به حرف‌هاشان عمل می‌کنند به نیکی یاد می‌کند «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ؛ جز آن شاعرانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده و پس از آن که به وسیله هجو مشرکان مورد ستم قرار گرفته‌اند، با زبان شعر انتقام خود را از آنان گرفته‌اند. و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست که به چه جایگاهی باز خواهند گشت».

وی بیان کرد: اگر شعر بد هست شعر خوب هم هست همچنان که اگر شاعر بد هم هست، شاعر خوب هم هست آنچنان که در آیات پایانی سوره شعرا و این آیات سوره یاسین شعر مذمت نشده است شاعر غیر مهذب و شاعر بد مذمت شده است و ندانستن شعر از سنخ ندانستن خواندن و نوشتن است که گاهی همین ندانستن کمال می‌شود یعنی جلوی تهمت و افتراء را می‌گیرد.

* قرآن بارها کافران را به عنوان مرده خطاب کرده است

این مفسر قرآن اظهار کرد: در ادامه خداوند می‌فرماید: «لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ ما قرآن را بر او نازل کردیم تا به کسانی که زنده‌اند و حق را درمی‌یابند هشدار دهد و آن سخن ما که گفته‌ایم دوزخ را از شیطان و همه پیروانش پر می‌کنیم، درباره کافران محقق شود» اینجا سخن از انذار است انذار کسی که زنده است.

انسان یا زنده است یا مرده، انسان زنده یا مومن است یا کافر. در بین این امور چهارگانه خداوند دو قسم آن را ذکر می‌کند یکی زنده و دیگری کافر را. خلاصه این تقسیم این است که انسان یا زنده است یا کافر و زمانی که زنده را در مقابل کافر استفاده می‌کند معلوم می‌شود که کافر مرده است.

بنابراین آنکه زنده است از قرآن استفاده می‌کند و آنکه کافر است از قرآن استفاده نمی‌کند لذا معلوم می‌شود که در فرهنگ قرآن کافران مرده‌اند. قرآن بارها کافران را به عنوان مرده خطاب کرده است.

* کافران حیات الهی ندارند

آیت‌الله جوادی تصریح کرد: بنابراین کافران و کسانی که دین ندارند، حیات الهی ندارند، حیات گیاهی و حیوانی دارد و تمام تلاش و کوشش این فرد این است که خوب بخورد و خوب بپوشد و خوب آرایش کند، این حیات گیاهی دارد و یا بخشی از عواطف هم نصیب او شده است حیات حیوانی دارد و زمانی که حیات انسانی نداشت سخنان الهی در او اثر نمی‌کند. بنابراین وقت آیات الهی را به آنان عرضه می‌کنیم هدایت نمی‌شوند و می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِيَتُنَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ؛ آیا انسان‌ها برای پی بردن به یکتایی خدا و ربوبیت او در جهان هستی نیاندیشیده و ندانسته‌اند که ما دام‌هایی را که دست‌هایمان آنها را ساخته و در خلقتشان شریکی نداشته‌ایم برای آنان آفریده و در اختیارشان نهاده‌ایم و اینک آنان مالک آنها هستند؟!» بهره‌بری انسان از حیوانات و خلقت آنها برای انسان در اینجا به صورت اجمال بیان شده است که به صورت تفصیل در سوره نحل بیان شده است.

* انسان؛ تنها موجودی که به طور مستقیم به وسیله خداوند خلق می‌شود

این مرجع تقلید عنوان کرد: مسئله دیگری که در این آیه بیان شده است استفاده خداوند از لفظ «أَيْدِيَتُنَا» است که به معنای خلقت حیوانات توسط مدبرات و نیروهای خداوند است.

تنها آفرینش انسان است که خداوند آن را به طور مستقیم به خودش اسناد می‌دهد و به شیطان می‌فرماید: «چرا برای کسی که آن را با دو دست بی دست خودم ساختم سجده نکردی؟» این دست خداوند یعنی با جمال و جلال، با قبض و بسط، با قهر و مهر و اوصافی که من دارم جامعیتی را اعمال کردم تا انسان خلق شود اما در مورد حیوان «أَيْدِيَتُنَا» است که نشانه از نیروهای خداوندی و مدبرات خداوند دارد.